

## صحت بانکداری اسلامی مشروط به دولتی بودن نیست

حضرت آیت‌اله جناب آقای سید محمد موسوی بجنوردی

استاد حوزه و دانشگاه

السلام علیکم جمعياً و رحمة اله و برکاته  
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم

من هم این ایام فاطمیه را، شهادت صدیقه کبری، فاطمه زهرا سلام‌اله علیها را به همه خواهران و برادرانم تسلیت عرض می‌کنم. همچنین، تصادف شهادت دو مجاهد بزرگ، مرحوم رجایی و آقای باهنر و سایر شهدای دیگر را خدمت همه تسلیت عرض می‌کنم. از بیانات جناب آقای دکتر نمازی و بیانات حضرت آیت ... رضوانی خیلی استفاده کردم. من نیز چند کلمه در راستای فرمایشات این دو بزرگوار به عرض می‌رسانم. همانطور که معلم اول، ارسطو می‌گوید: *الانسان مدنی بالطبع*، طبیعت انسان مدنیت دارد و اجتماعی است و نیز موجودی که می‌خواهد در جامعه زندگی کند، موجودی که می‌خواهد رفت و آمد کند و داد و ستد داشته باشد تا بتواند در رفاه بسر برد. این طبیعت انسانی است. اگر به معاملات مراجعه کنیم، می‌بینیم تمام معاملاتی که در اسلام است، در جوامع قبل از اسلام هم بوده‌است. من همه را ارشاد می‌کنم به کتابی به نام: *«المفصل فی تاریخ العرب»* قبل از اسلام که ده مجلد است و مؤلف آن نیز دکتر جواد علی می‌باشد. در جاهلیت هم تمام این معاملات بوده‌است. در میان امم سابق هم بوده‌است. اسلام این معاملات عقلایی را امضا کرده است (البته، باکم و زیاد کردن بعضی جاهای آن). لکن، همان معاملات و همان مفهوم عقلایی خودش را اسلام امضا کرده. یعنی مؤسس این معاملات نیست، چون اسلام دین عقل و عقلاست. هر آنچه عقلا انحراف نداشتند و در طریق مستقیم بودند، اسلام آنها را امضا کرده. هدف از معاملات چیست و مردم برای چه معامله می‌کنند؟ عقد بیع برای چیست؟ عقد مضاربه و مشارکت مدنی برای چیست؟ به طور کلی، این عقودی که داریم و عقودی که جدیداً پدید می‌آید برای چیست؟ ما نباید عقود و پیمانها را به همانی که داریم

حصر کنیم. یقیناً با گسترش جامعه و گسترش مدنیت، عقود جدید در آینده پدید می‌آید، مثل عقد بیمه. بیش از ۷۰ سال نیست که عقد بیمه پدید آمده است. حالا آیا می‌توانیم بگوییم عقد بیمه شرعی نیست؟ در اسلام وقتی آمده: **یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود**، یعنی «الف لام» هم «الف لام» جنس است، به عبارت دیگر، هر آنچه عقد بر آن صادق است، اسلام امضا کرده‌است. ما شکل اول را درست می‌کنیم. می‌گوییم: بیمه عقد است. کبرای کلی‌اش را اسلام گفته که هر عقدی لازم الوفاست. پس عقد بیمه لازم الوفاست. در اسلام الحمد لله هیچ نقص یا بن‌بستی نیست. تمام احکام و قوانین کلی بیان شده است. مطلب دیگری را هم اضافه کنم و بعد وارد بحث بشوم. امام راحل **قَدَسَ اللهُ نَفْسَهُ الزَّكِيَّةَ** راهی را برای همه ما در فقه اسلامی باز کرد که بسیار مهم است و نمی‌دانم چرا ما اینقدر آن را کم‌رنگ تلقی می‌کنیم. فقهای اسلام باید مسأله تأثیر عامل زمان و مکان در اجتهاد را نصب‌العین خود قرار دهند. این حرف بسیار عمیق و متین است. حتی دیدم در جهان اهل تسنن، فقهای اهل تسنن هم این حرف را بزرگ می‌شمارند و می‌گویند که امام امت چراغ هدایتی برای ما باز کرد. فقهای شیعه باید این مسأله را در نظر داشته باشند. یعنی، نمی‌شود که ما چشم‌هایمان را ببندیم و طرز تفکرمان نیز همانی باشد که هزار سال پیش بود. اگر مثالهایی را که شیخ الطایفه قدس الله نفس الزکیه در کتاب مسووط گفته است، من هم الان به همان شکل بگویم نمی‌توان آن را درست دانست. مرحوم شیخ الطوسی رحمه الله علیه افتخار فقهای شیعه است. اما، امروز با مسائل جدید روبرو هستیم و مرتب هم به آن اضافه می‌شود. این مسائل را فقهای ما باید حل کنند و این را بدانید که عامل زمان و مکان بر ما راهگشاست. با گذشت زمان مسایل جدیدی پیش می‌آید که باید مد نظر قرار دهیم. مثلاً، اگر همین مضاربه در زمان جاهلیت منعقد می‌شد، طبعاً می‌بایستی تفاوت‌هایی با الان داشته باشد. در آن زمان، پول به شکل اسکناس وجود نداشت و معاملات عمدتاً کالا به کالا بود. یادم می‌آید روزگار پیش که تازه از نجف آمده بودم، یک روز صبح در یکی از دهات به حمام رفتم. دیدم افرادی که به حمام می‌آمدند مقداری گردو به حمامی داده و بعد وارد می‌شدند. خیلی تعجب کردم، چون برایم تازگی داشت. من همه چیز شنیده بودم، اما ندیده بودم که مثلاً کسی چهار دانه گردو بدهد و به حمام برود. در آن روزگار وضع جامعه چنین بود. نمی‌توان آنچه بر کالا گذشته، امروز بر اسکناس به کار برد؛ چون کالا مالیت ذاتی دارد، یعنی خودش فی نفسه مرغوب فیه است، بر خلاف اسکناس که صرفاً مالیت اعتباری دارد. اگر فردا دولت بگوید که مثلاً این هزار تومانی از رده خارج است چون عکس شاه روی آن است، پس اعتبار این اسکناس دیگر از بین می‌رود. لذا باید مسائل را از هم تفکیک کرد. باید توجه کنیم که در همه‌جا نمی‌توان یکسان عمل کرد. من بعضی فرمایشات جناب آقای دکتر نمازی را محور بحث خود قرار می‌دهم. ایشان حرف بسیار متینی فرمودند که کسی که سپرده در بانک می‌گذارد، سود می‌خواهد، والا، در عقلش باید شک کرد. اگر بنده بدانم وقتی پول در بانک گذارم، سودی به من نمی‌دهند، دلیلی ندارد پولم را به بانک بسپارم. پول را در خانه خود نگه می‌دارم و یا

حداقل در جایی می‌گذارم که به قرض الحسنه داده شود که لااقل به ثوابی برسم. چرا بنده پولم را در سپرده می‌گذارم یا در قالب معاملات اسلامی و شرکت مدنی یا عقد مضاربه یا کارهای دیگر به کار می‌اندازم؟ چون می‌خواهم مثلاً دو قرانی بگیرم بیاید که معاش خود را تأمین کنم. الان، همه به اتفاق می‌گویند سودی که به سپرده گذار داده می‌شود، زیر نسبت تورم است. اگر مسأله نسبت تورم را نادیده بگیریم، معنایش این است که یک امر واقعی اول صبح تا آخر شب را که همه مردم گرفتارش هستند، نادیده بگیریم و به آنان بگوییم که فعلاً تحمل کنند! مثل آن است که به آدم گرسنه‌ای بگویند سه چهار روزی نهار نخور تا ببینیم چه می‌شود؟ الان، مسأله تورم واقعی‌ت انکارناپذیر است. خودتان استاد اقتصاد هستید. ملاک سبد اقتصادی است. بنده وقتی صبح برای خرید گوشت، پنیر، ماست، سبزی، سایر چیزها، به بازار می‌روم، باید این را ملاک بگیرم که آیا می‌توانم مایحتاج مورد نیاز خود را بخرم. مثلاً، می‌بینم ماه گذشته این سبد را با دو هزار تومان پر می‌کردم، اما، امروز باید به سه هزار تومان پر کنم. حال، مرتب می‌گویند جناب آقای دکتر نوریخس دوست عزیز من فرموده که نسبت تورم را به ۱۳٪ می‌رساند. البته، من منکر معجزه نیستم، چون می‌گویند معجزه خرق عادت است و محال نیست. اما، با این حرفها که ما نمی‌توانیم کارها را درست کنیم. دلم می‌خواهد واقعی صحبت کنیم. الحمدلله، جلسه ما یک جلسه علمی است. همه اندیشمند، اهل فن، دلسوز هستند. همایشی که در اینجا تشکیل می‌شود، واقعاً همایش پربراری است. انصاف نیست اگر کسی بگوید این سمینارها فقط حرف و صحبت است. ما هر سال شاهد آن هستیم که بعد از این همایشها، آثار و نتایج آن به شکل موادی در مجلس تصویب می‌شود که در واقع از برکات همین همایش‌هاست و من البته نمی‌خواهم در اینجا به موارد آن اشاره کنم.

پس یک واقعیت این است که نمی‌توان منکر تورم شد. واقعیت دیگر اینکه سپرده‌گذار سود می‌خواهد. نمی‌توانیم به او بگوییم که اگر به تو سود بدهیم، تورم زیادتر می‌شود. سپرده‌گذار پول گذاشته و پول می‌خواهد. دیوانه نیست که بی‌هدف چنین کاری کند. اگر سود نباشد، پول نمی‌گذارد. اگر شما الان به مردم بگویید در مقابل پولی که در بانک می‌گذارند، سودی به آنان نمی‌دهید. آنان نیز پولی به سپرده نمی‌گذارند. اگر قرار باشد سودی نگیرند، ممکن است خیلی‌ها پولشان را در قرض الحسنه بگذارند که لااقل ثواب آخرت نصیبشان شود. حال که در دنیا خبری نیست. لااقل خسرالدنیا والاخره نشوند.

پس باید بحث این باشد که چگونه می‌توان این اقتصاد بیمار و تورم‌زا را درمان کرد؟ من معتقدم یکی از عواملش، خود دولت است که این تورم را ایجاد می‌کند. یک سری عواملش هم قهری است، مثل: زلزله، جنگ، سیل، غیره. متأسفانه، یکی از مسائلی که منجر به عدم ثبات سیاسی در کشور می‌شود، همین مسأله تورم است. واقعیت تورم را نباید نادیده گرفت. همه ما باید در جهت رفع تورم و کاهش آن کوشش کنیم که البته همه هم این را قبول دارند. به هر حال، به این فکر هم باید باشیم که

سپرده گذار برای تأمین زندگیش سود می‌خواهد. به این فکر نکنید که فلان آقا صد میلیون تومان پول گذاشته است، به فکر آن نیز باشید که یک خانم ۸۰ ساله که عمری زحمت کشیده و صد هزار تومان در حسابش دارد، لاقلاً دو قرانی گیرش بیاید که بتواند زندگی کند. من با اینکه تخصصی در این فن ندارم، لکن اعتقاد بر این است که بانکهای ما دولتی است. یعنی، همین تحمیلاتی که دولت به بانکها می‌کند که مثلاً ۱۰ میلیارد، براین مترو بپردازد، ۵ میلیارد برای فلان جا، باید گفت کثیری از این تحمیلهای سود دهی‌اش خیلی کم است و در دراز مدت دودش به چشم همین مردم می‌رود. من الان نمی‌خواهم از جنبه شرعی آن بحث کنم. باید دید که آیا واقعاً مردم ما را شرعاً امین می‌دانند که عقد مضاربه با ما ببندند. حضرت آیت الله رضوانی فرمودند بانکها وکیلند. باید گفت بانکها فقط وکیل نیستند. خیلی جاها در مشارکت مدنی قرار می‌گیرند. یعنی، بانک با شخصیت حقوقی و به طرف با شخصیت حقیقی. مشارکت بین این دو شخصیت حقوقی و حقیقی است. یا مثلاً، عقد مضاربه که بین یک شخصیت حقوقی و یک شخصیت حقیقی است. در عقد مضاربه، عامل حق ندارد از حدود قرارداد تجاوز کند. اگر از حد تجاوز کرد، امانت را رعایت نکرده است و روش غیر امانی می‌شود. در مشارکت مدنی باید تابع قرارداد بود. این نکته‌ای است که هم در شرع ما و هم در قانون مدنی ما به آن اشاره شده است. عامل باید کارها را در حدود قرارداد انجام دهد. حق ندارد از حدود قرارداد تجاوز کند. الان گفته می‌شود که مثلاً شورای پول و اعتبار میزان سود را تعیین می‌کنند. من با یکی از مواردی که مخالفم، همین است. به چه مناسبت شورای پول و اعتبار میزان سود را تعیین می‌کند؟ همیشه هم نسبت آن را کمتر از نسبت تورم قرار می‌دهد. حداقل یک مرتبه هم که شده است خوب است نسبت سود را مساوی نسبت تورم قرار دهند. جناب آقای اصلانی فرمودند که ما «سوسید» می‌دهیم. همین «سوسید» هم خلاف شرع است. چرا «سوسید» می‌دهید و با پول چه کسی این کار را می‌کنید؟ بانک این پولها را از کجا می‌آورد؟ باید کاری کنیم که به سوسید نیازی نباشد. واقعاً باید این مسأله را پیگیری کنیم که بانکها از دولتی بودن خارج شده و مستقل گردند. اگر بانک مستقل شد و تحمیلات دولت و مجلس در قانون بودجه نیاید، راههایی را دنبال می‌کند که سوددهی در آن باشد. یک بام دو هوا که نمی‌شود بازار را آزاد می‌گذاریم تا نظام بازار هر کاری دلش خواست بکند. آیا شما دیده‌اید یکی از این بازارها بدون داشتن هدف سود، معامله‌ای انجام دهد؟ چطور شده که الان بازار معامله می‌کند و وضعشان هم خوب است. آیا این گرفتاریها باید فقط برای بانک و سپرده‌گذاران باشد؟ همان حرفهایی را که برای بازار می‌گویید، برای بانک هم باید بگویید اصلاً معنا ندارد انسان اقدام به معامله‌ای کند که در آن سود نباشد. جامعه عقلاً به انسان می‌خندند. پس اعتقاد من این است، در عین حالی که دولت عزیزم سید بزرگوار جناب آقای خاتمی را که واقعاً در راه خدمت گام برمی‌دارند، تحسین می‌کنم، اما باید بگویم که حل مشکل تورم کار یک شبه نیست. اگر هرکسی هم ادعا کند می‌تواند مشکل را حل کند، چنین نیست و نمی‌تواند. اگر یادتان بیاید در اول انقلاب آقای به اسم

«بابک زهرایی» در تلویزیون ظاهر شده و گفت ظرف یک هفته اقتصاد مملکت را درست می‌کند. حال، ما که نمی‌خواهیم چنین حرفی بزنیم، بلکه می‌خواهیم از طریق معقول این کار را انجام دهیم، چون می‌دانیم از طریق منطق و معقولات بسیاری از کارها را می‌توان انجام داد. برای پایین آوردن تورم باید کار کرد. ما باید به فکر این مردم بوده و اعتماد آنها را جلب کنیم. در عین حال بانکها را باید تقویت کرد. یکی از بنیه‌های قوی دولت و نظام، بانک است. باید در مسیری حرکت کنیم که بانکها قدرتمند گردند. باید کاری کنیم که مردم به بانکها اعتماد داشته باشند. الان بیشتر مردم از این حرفها بی‌خبرند و از این مسائل سر در نمی‌آورند. اگر مسائل را بدانند، و بدانند که اگر مثلاً امسال یک میلیون تومان در بانک بگذارند، سال دیگر هشتصد هزار تومان گیرشان می‌آید، چنین کاری نمی‌کنند. به عبارت دیگر، اگر مثلاً ۱۶۰ هزار تومان سود به سپرده‌گذار بدهند، تازه ۴۰،۰۰۰ تومان هم ضرر کرده، یعنی ۴۰،۰۰۰ تومان از اصل پولش کمتر. به هر حال، این یک واقعیت است که هیچ عاقلی چنین کاری نمی‌کند که پولش را به سپرده‌گذار و به جای سود، ضرر کند.

با اجازه شما دو نکته دیگر را می‌خواهم عرض کنم: یکی مسأله گرفتن مالیات از سپرده‌هاست. اخیراً بعضی از افراد مجلس با من صحبت کردند که البته بیشترشان را قانع کردم. با جناب آقای دکتر نمازی هم در این زمینه صحبت کردم و گفتم که مالیات از درآمد گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، سودی که به سپرده‌گذار داده می‌شود، درآمد نیست که مشمول مالیات گردد. مالیات از پولی گرفته می‌شود که مصداق درآمد در آن پول تأیید گردد. کسی که کمتر از پول خودش را به او برمی‌گرداند، آیا این پول درآمد محسوب می‌گردد؟ پس با توجه به این نکته به اصطلاح، تخصصاً و موضوعاً مسأله مالیات بر درآمد در اینجا صادق نیست. دولت لطف فرموده و گفته که ما مالیات بر سپرده را «عفو» کرده و پولی از سپرده‌گذار نخواهیم گرفت. در حالی که این «عفو» نیست. «عفو» در جایی معنا دارد که سپرده‌گذار واقعاً مجبور به پرداخت مالیات باشد. برای من میسر نشد که جناب آقای خاتمی را ببینم و در این باره با ایشان صحبت کنم.

نکته دوم مسأله خمس از سپرده‌گذار است که بسیاری در این مورد با من مخالفند. قرآن می‌گوید: «واعملوا انما غنمتم من شی فان لله خمسهُ و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل...»<sup>۱</sup> موضوع این آیه «غنمتم» است یعنی استفاده ببرید. موضوع خمس ارواح مکاسب سود است. نفع بردن است. که سپرده می‌گذارد، اما حتی اصل پولش را به او نمی‌دهند، آیا او سود برده یا منفعت کرده که خمس بدهد؟ هر وقت مبلغی بیش از نسبت تورم به او دادند (که همان سود واقعی باشد)، در اینصورت، مازاد بر مصارف سالش چنانچه چیزی برایش باقی ماند، می‌تواند خمس بدهد. وقتی اصل پولش را به او نداده‌ایم، آیا درست است که انتظار خمس هم از او داشته باشیم؟ اگر از طرفی از او مالیات بگیریم و از طرفی از او خمس طلب کنیم، دیگر چیزی برای او باقی نمی‌ماند. به این

ترتیب باید فاتحه خودش و زن و بچه خودش را بخواند!

بنابراین، اصل این همایش موضوعش عمدتاً بانکداری اسلامی و توسعه است. یکی از اهداف این سمینار استقلال بانکهاست. من نمی‌گویم که دولت به کلی منعزل شود؛ کسی چنین ادعایی ندارد. دولت در همه جا باید نظارت داشته باشد. ما می‌گوییم، خوب است دولت آن حدی که به بازار توجه و نظارت می‌کند، اجازه دهد بانکها بنابر مصالح مردم کار کرده و پروژه‌هایی را بگیرند که سوددهی داشته باشد. وقتی سوددهی وجود داشته باشد، هم به نفع بانک است که سرمایه آنرا بیشتر می‌کند و هم به نفع مردم. آنانی که سپرده گذاشته‌اند یکی دو قرانی گیرشان می‌آید. اما، وقتی ما می‌خواهیم دولت را بر نظام بانکداری حاکم کرده و طبق قانون بودجه و مصوبات دولت مرتب به بانکها تحمیل کنیم و از طرفی کارهایی که بانکها انجام می‌دهند سوددهی نداشته باشد، طبیعی است دودش به چشم مردم می‌رود و به عموم ضرر وارد می‌کند. اصلاً یکی از حرفها این است که دولت همیشه صحبت از طرحهای ملی می‌کند. طرح ملی هم برای همه مردم است. به نظر من، این مغالطه است. در طرحهای ملی، دولت درآمدهای ملی دارد؛ درآمدهایی از محل نفت، معادن و غیره. چرا از پول مردمی می‌دهد که دو قرانی جمع کرده‌اند تا معاش خود را تأمین کنند. هزینه طرحهای ملی را دولت از محل نفت، معادن، انفال که در اختیار حکومت اسلامی است بدهد نه از پول من و شما که می‌خواهیم با آن زندگی کنیم. به عبارت دیگر، با عنوان طرح ملی، روا نیست که از پول معاش من و شما کاسته شود. سودی که در واقع داده نمی‌شود هیچ، سپرده‌گذار هم به کمتر از اصل پول خودش می‌رسد. نه انصاف و نه شرع چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد.

بنابراین، امیدوارم که انشاءالله این سمینار هم مانند سالهای گذشته مفید و پربر بار باشد. ضمناً، در اینجا باید از مقام ریاست موسسه عالی بانکداری جناب آقای دکتر سید مهدی عمرانی حفظه‌الله و همچنین همکاران و هیأت علمی این موسسه که نهایت تلاش را می‌کنند تشکر کنم. من چون بیش از همه شما به اینجا رفت و آمد دارم و در کلاس کارشناسی ارشد حقوق خصوصی مباحثه مختصری در اینجا دارم، می‌بینم و متوجه هستم که چه تلاشهایی در این موسسه می‌شود.

خیلی عذر می‌خواهم از حضرات آیات، جناب آقای دکتر نمازی و همچنین سروران خودم، برادران خودم که قدری اطاله کلام دادم. لکن باور کنید که به عنوان یک دلسوخته عرایض را گفتم، حال ممکن است خیلی چیزها هم که گفتم مطابق با واقع نباشد. چون من چنین ادعایی ندارم؛ اما امیدوارم انشاءالله همه در طریقی برویم که در عین حال که اعتلای نظام جمهوری اسلامی باشد، به مردم هم بتوانیم خدمت کرده و آنان را سرفراز گردانیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته